

بررسی نقش وقف در توسعه و رشد فضاهای شهری در دوره‌ی قاجار (مطالعه‌ی موردی: بافت تاریخی شهر کرمانشاه)

محمدابراهیم زارعی^۱، یداله حیدری باباکمال^{II}

شناسه‌ی دیجیتال (DOI): 10.22084/mbsh.2019.17520.1836

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۷/۲۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۲۵

(از ص ۱۶۹ تا ۱۸۸)

چکیده

I. استاد گروه باستان‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا (نویسنده‌ی مسئول).

Mohamadezareei@yahoo.com

II. استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشکده هنرهای کاربردی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز.

نظام وقف، نه تنها موجد ساخت بسیاری از فضاها و عناصر بارزش شهرها بوده است؛ بلکه پیوند نزدیک موقوفات با امور مذهبی، سبب ماندگاری فضاهای موقوفه‌ی شهری طی زمان شده است. پیوستگی وقف با اسلام باعث شده که توجه شایانی از سوی جامعه نسبت به آن به عمل آید؛ به طوری که در تاریخ دوره‌ی اسلامی مدارس علمیه، مساجد، تکایا، کاروانسراها، حمام‌ها و بازارچه‌های بسیاری دیده می‌شود که محصول وقف هستند. در شهر کرمانشاه گرایش به وقف در دوره‌ی قاجار بیشتر از دوره‌های قبل مورد توجه عمومی واقع می‌شود؛ به ویژه با روی کار آمدن «محمدعلی میرزای دولت‌شاه» و «عمادالدوله» از فرزندان و نوادگان فتحعلی شاه رونق بیشتری می‌یابد. با توجه به ضرورت گفته شده، این پژوهش در نظر دارد تا با استفاده از اسناد دست اول تاریخی، اعم از موقوفه‌ها و رقبات و آثار مکتوب پژوهشگرانی که در این رابطه پژوهش نموده‌اند، عناصر مهم معماری و شهرسازی کرمانشاه را در دوره‌ی قاجار تجزیه و تحلیل کند؛ از این رو مسئله‌ی اساسی پژوهش این است که وقف به عنوان یک عامل مذهبی، چه نقشی در توسعه و رونق شهر کرمانشاه در دوره‌ی قاجار داشته است؟ فرض مورد نظر آن است که با حمایت شاهزادگان قاجاری از نظام وقف و رونق اقتصادی ایجاد شده در این دوره، وقف بناهای متعدد به میزان قابل توجهی توسعه می‌یابد؛ چنان‌که بناهای مهم شهر از قبیل: مساجد، تکایا، دکان‌ها و کاروانسراها، حاصل وقف بوده‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بناهای موقوفه باعث محافظت و پایداری بناهای شهر کرمانشاه تا به امروز شده است. این بناها با واقع شدن در نقاط کلیدی شهر اعم از مرکز محلات (مساجد)، بازار و محدوده‌ی ارگ سلطنتی، توانسته‌اند نقش قابل توجهی در رونق و توسعه‌ی شهر در دوره‌ی قاجار داشته باشند.

کلیدواژگان: فضاهای شهری، شهر کرمانشاه، دوره‌ی قاجار، اسناد وقف، مالکیت اراضی.

مقدمه

پرداختن به وقف و امور خیریه ریشه‌ای طولانی در تاریخ ایران دارد و در نظام جهان‌بینی اسلامی به صورت رکنی مهم و پویا به کار گرفته شده است. وقف از قوه‌های محرکه‌ی حفظ و نشر معارف اسلامی، از عوامل مهم بزرگداشت و دوام مراسم مذهبی و نیز از جهاتی برآورنده‌ی نیازهای متنوع مادی انسان در هر عصر و زمان است. موضوع املاک و رقبات موقوفه می‌تواند از: درختی مثمر، زمین کشاورزی، باغ میوه، قنات، نهر، آب‌انبار، دکان، حمام، خانه، مسجد، حسینیه، مدرسه، بیمارستان، روستا، کارخانه تا عمارات وقفی را برای تأمین مقاصد خداپسندانه شامل شود؛ بدین ترتیب وقف سیستمی لازمی در تحقق برخی از ضرورت‌های دین است. یکی از فواید اسناد موقوفه بازسازی فضاهای شهری و معماری و پی‌بردن به خصوصیات پنهان این آثار در یک دوره‌ی خاص است. در تاریخ شهرسازی اسلامی به مجموعه‌های کالبدی پیوسته‌ای در مقیاس‌های مختلف شهری، از مقیاس یک مرکز محله یا محله تا مقیاس مرکز شهر و یا شهر برمی‌خوریم که سنت وقف در شکل‌گیری آن‌ها نقش به‌سزایی داشته؛ چنان‌که پویایی این روند در دوره‌ی اسلامی ایران تا دوره‌ی قاجار ادامه داشته است. شهر کرمانشاه در دوره‌ی قاجار به دلیل مناسبات سیاسی و یافتن اهمیت استراتژیکی و نظامی، از اعتبار ویژه‌ای در غرب کشور بهره‌مند می‌شود. وجود عوامل مؤثر سیاسی (قرارگرفتن شهر کرمانشاه به عنوان مقر نظامی شاهزادگان قاجاری)، اقتصادی (بازار توسعه یافته در مسیر عتبات عالیات) و مذهبی (مسجد جامع در کنار مساجد متعدد محله‌ای در مرکز هر محله) نقش مؤثری در توسعه و رونق کرمانشاه در این دوره داشته‌اند. در کنار عوامل مهم یاد شده، نقش وقف در توسعه‌ی شهر غیرقابل انکار است؛ چنان‌که بناهای متعددی یا توسط «محمدعلی میرزا دولت‌شاه» و «عمادالدوله» و یا توسط افراد متمول از میان مردم وقف شده‌اند. اهمیت و فراوانی این بناها به اندازه‌ای است که شاکله‌ی اصلی عناصر شهری کرمانشاه در دوره‌ی قاجار برمبنای بناهای وقفی ایجاد شده است. رویکرد اصلی پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی است که با استناد به اسناد دست‌اول وقف و متون تاریخی نگاشته شده در این دوره، در نظر دارد نقش و اهمیت وقف را در رونق شهر کرمانشاه در دوره‌ی قاجار تبیین و ارزیابی کند.

پرسش‌ها و فرضیات پژوهش: پرسش‌های پژوهش عبارتند از: ۱- نقش وقف در توسعه و رونق شهر کرمانشاه در دوره‌ی قاجار چگونه بوده است؟ ۲- نکات مهم شهرسازی و معماری مستخرج از اسناد موقوفه‌ی شهر کرمانشاه در دوره‌ی قاجار چیست؟ فرضیات مهم پژوهش عبارتند از: ۱- با حمایت شاهزادگان قاجاری از سنت وقف، ساختار اصلی شهر کرمانشاه در دوره‌ی قاجار از جمله راسته‌بازار و بسیاری از مساجد و عناصر تشکیل‌دهنده‌ی محله‌ها ماهیت وقفی پیدا می‌کنند. ۲- به نظر می‌رسد مطالعه‌ی وقف‌نامه‌ها در تعیین جایگاه زیرساخت‌های اصلی شهری چون بازار (مرکز اقتصادی شهر)، مسجد (مرکز محله)، کاروانسرا، حمام و مدرسه، نقش مؤثری داشته باشد.

اهداف پژوهش: مهم‌ترین اهداف پژوهش پیش‌رو بازنمایی نقش وقف در توسعه‌ی شهر کرمانشاه در دوره‌ی قاجار و دستیابی به مؤلفه‌های مهم شهرسازی و معماری شهر کرمانشاه در این دوره براساس اسناد موقوفه است.

روش پژوهش: این پژوهش با استفاده از روش تاریخی-تحلیلی انجام شده است؛ برای این منظور منابع تحقیق که در زمره‌ی منابع مکتوب هستند با شیوه‌ی کتابخانه‌ای گردآوری شده‌اند. داده‌های گردآوری شده شامل اسناد دست‌اول تاریخی، اسناد موقوفه‌ی بناهای تاریخی مربوط به دوره‌ی قاجار شهر کرمانشاه و آثار مکتوب پژوهشگرانی است که در این رابطه پژوهش نموده‌اند؛ سپس تحلیل داده‌ها و انسجام مفهومی آن‌ها برای تدوین نظرات جدید انجام شده است.

پیشینه‌ی پژوهش

بیشتر پژوهش‌های انجام شده در زمینه‌ی وقف در مورد مفهوم آن و ارزش‌های مذهبی، اجتماعی و اقتصادی وقف در جامعه صورت گرفته است، با این حال در مورد وقف و تأثیر آن در توسعه‌ی ساختار عناصر شهری انتشاراتی انجام شده است؛ در خارج از ایران، پژوهش‌های «ریموند» (۱۹۷۹) به اهمیت موقوفات از جنبه‌های معماری و اقتصادی برای توسعه‌ی فضاهای شهرهایی چون استانبول، حلب و دمشق اشاره می‌کنند. «اشتوبر» (۱۹۸۵ و ۱۹۸۶) در شمال آفریقا به تحلیل نقش و کارکرد هبه‌های عمومی در ساختار شهری چاون به‌طور اخص و برای مغرب به‌طور اعم پرداخته است. در داخل ایران نیز می‌توان به مطالعاتی توسط «مؤمنی» اشاره کرد که از نظر وی نه‌تنها بنیانگذاری شهر ملایر به سال ۱۸۰۷ م. ارتباط نزدیکی با موقوفات داشته؛ بلکه اثبات کرده بدون وقف، شهر ملایر امروز غیرقابل تصور است. در پژوهشی دیگر «پروانه شاه‌حسینی» (۱۳۷۷)، به ردیابی وقف در ساختار فرهنگی شهر تهران از دوره‌ی قاجاریه تا جمهوری اسلامی و تأثیر یادمان‌های وقفی در شکل‌دهی به شهر تهران در دو سده‌ی اخیر بر اساس اسناد باقی‌مانده از این دوره‌ها پرداخته است. «محمدتقی سالک بیرجندی» (۱۳۸۱) در زمینه‌ی نقش وقف در ایجاد بناهای مذهبی و میراث‌های هنری و معماری جهان پژوهشی را نگاشته است. «محمدرضا شهبابی» (۱۳۸۳) در پژوهشی با عنوان «مبانی و چارچوب تأثیر وقف در شکل‌گیری فضاهای شهری»، چارچوبی نظری برای بررسی نقش وقف و یک مجموعه‌ی وقفی در تشکیل فضاهای عمومی شهری فراهم آورده است. «اسماعیل نصیری» (۱۳۸۷) به بررسی تأثیر وقف در شکل‌دهی به ساختار شهری اراک و «رحمت‌اله فرهودی» و «محبوبه‌السادات میرشفیعی» (۱۳۸۷) به تأثیر وقف در گسترش و توسعه فیزیکی-کالبدی شهری پرداخته‌اند. «حسین کلانتری خلیل‌آباد» و همکاران (۱۳۸۹)، در پژوهشی با عنوان «نقش تاریخی وقف در شکل‌گیری شهر اسلامی (مطالعه‌ی موردی شهر اصفهان)» به بررسی میزان تأثیرگذاری وقف در توسعه‌ی فضاهای کالبدی شهرهای ایران با تأکید بر شهر اصفهان پرداخته‌اند؛ هم‌چنین باید به پژوهش «حسن کریمیان» و «بهزاد مهدی‌زاده» (۱۳۹۳) در قالب پایان‌نامه با عنوان «نقش وقف در توسعه‌ی کالبدی شهرهای ایلخانی؛ نمونه‌ی موردی تبریز، سلطانیه و اوجان» اشاره کرد که تأثیر مجموعه‌های وقفی این دوره بر شهرهای ایلخانی مورد مطالعه در پژوهش را بررسی می‌کنند. اخیراً پژوهش‌هایی توسط «مرضیه فاریابی» و همکاران (۱۳۹۵) با عناوین مشابهی همچون «نقش

وقف در توسعه و شکل‌گیری شهر بیرجند» و «پروانه شاه‌حسینی» (۱۳۹۶) با عنوان «تأثیرات متقابل اماکن وقفی و توسعه‌ی شهر تهران در دوره‌ی قاجار» را نگاشته‌اند. این پژوهش‌ها عموماً در رابطه با شهرهایی بوده که آثار رقبات و موقوفه‌های آن‌ها در دست و نقش وقف در توسعه و رونق آن‌ها غیرقابل انکار بوده است؛ با این حال و با توجه به مستندات موجود از موقوفه‌های شهر کرمانشاه و اهمیت این پدیده در رونق و توسعه‌ی شهر، تاکنون پژوهشی مستقلی درخصوص تأثیر وقف در رشد بافت شهری کرمانشاه در دوره‌ی قاجار نگاشته نشده است؛ این پژوهش نخستین تلاشی است که در این زمینه صورت می‌گیرد.

نقش وقف در ساماندهی ساختار شهرهای دوره‌ی اسلامی

وقف، بخشی از واقعیت اجتماعی و اقتصادی شهرنشینی خاورمیانه امروز است (اهلرز، ۱۳۷۴: ۳۴). وقف عبارت است از این‌که عین مال حبس و منافع آن تسبیل و آزاد شود (امامی، ۱۳۷۳: ۶۹-۶۸). منظور از «تسبیل منافع» این است که واقف از استفاده‌ی منافع به‌طور شخصی صرف‌نظر کرده و منافع آن‌را در راه خدا و امور خیریه و اجتماعی مصرف کند؛ جمع این واژه، «اوقاف» است و به مال و زمین وقف شده، «موقوفه» گفته می‌شود (صادقی‌گلدار، ۱۳۸۵: ۱۱).

در مطالعه‌ی تأثیر وقف‌نامه‌ها بر توسعه‌ی شهرها، رجوع به موقوفه‌ها و رقبات آن‌ها از اهمیت ویژه برخوردار است؛ چراکه وقف‌نامه‌ها بهترین گونه‌ی اسناد برای مطالعه‌ی تاریخ معماری ایران به‌شمار می‌روند. مطالب وقف‌نامه‌ها، به‌ویژه آن‌هایی که مفصل‌تر هستند، اطلاعات معمارانه‌ی فراوانی را از مقیاس کلان، مانند شهر و منطقه تا مقیاس خرد، مانند اجزا و عناصر بناها به‌دست می‌دهد؛ هم‌چنین برای شناخت مسائل اجتماعی و سیاسی و اقتصادی مرتبط با موقوفات نیز سودمند هستند. به‌بیان دیگر با مطالعه وقف‌نامه‌های یک دوره می‌توان فهمید که احوال جامعه در آن زمان چگونه بوده است؛ مثلاً اگر از دوره‌ای شمار فراوانی وقف‌نامه به‌جا مانده باشد، می‌توان حدس زد که کشور دارای ثبات نسبتاً مناسب برای ساخت آثار متعدد و منفعت‌رساندن به عموم و یا حتی دارای ناامنی برای حفظ بناها و امید به باقی ماندن آن‌ها وجود داشته است.

یکی از مهم‌ترین کاربردهای وقف‌نامه‌ها، بازسازی فرضی مجموعه بناهایی است که کاملاً ویران شده و فاقد نقشه یا متون تاریخی هستند. شماری از آن‌ها که مفصل‌تر و مربوط به مکان‌ها و اشخاص مهمی هستند که اطلاعات مفیدی درباره نام فضاها و حتی چگونگی قرارگیری‌شان در کنار یکدیگر دارند. وقف‌نامه‌ی ربع‌رشیدی متعلق به عصر ایلخانیان نمونه‌ی بسیار خوبی است که چند پژوهشگر براساس آن توانسته‌اند از شهرک ربع‌رشیدی که «خواجه رشیدالدین فضل‌الله» بنیان گذاشته بود، نقشه‌های کلی و بازسازی‌های سه‌بعدی فرضی ارائه دهند (بلر، ۱۳۸۷: ۴۷-۷۳؛ بلالی اسکویی و همکاران، ۱۳۸۹: ۷۶-۵۱)؛ هم‌چنین با مطالعه‌ی وقف‌نامه‌های متعلق به یک دوره‌ی خاص، می‌توان به برخی ویژگی‌های جامعه‌ی آن زمان دست‌یافت. ذکر مواردی چون حامیان و بنیان، اداره‌کنندگان،

مقیمان، عوامل ساخت، اقتصاد بنا، کارکردها و مشاغل مرتبط با بنا در وقف نامه‌ها، وجه‌هایی از زندگی مردم دوره‌ای خاص را می‌نمایاند. موارد دیگری که با مطالعه‌ی وقف نامه‌ها می‌توان به آن‌ها پی برد عبارتند از: تاریخ دقیق ساخت اثر، پیشینه‌ی بنا و مکان، اقلیم و طبیعت منطقه، الگوهای معماری، وسایل و ظروف درون بنا، تأسیسات آبی، هنرهای وابسته به معماری، آداب ساخت و الگوهای زندگی اجتماعی و فردی.

یکی از ویژگی‌های عمومی شهرسازی اسلامی، ایجاد فعالیت‌های اساسی در ارتباط با سه نهاد اصلی جامعه، یعنی «مذهب» (مسجد جامع و مدرسه)، «حکومت» (ارگ حکومتی) و «اقتصاد» (بازار) به صورت مجموعه‌ی یکپارچه در مرکز شهر اسلامی است. در این خصوص به نظر برخی محققین، وقف به عنوان یکی از نیروهای شکل دهنده به ساختار اصلی شهرهای ایران، نقش مهمی در ایجاد و وحدت این ویژگی داشته است (مؤمنی، ۱۳۶۵: ۲۱)؛ به طوری که با نگاهی گذرا به بافت کالبدی شهرهای ایران می‌توان دریافت که در ساماندهی بسیاری از عناصر شهری، وقف نقش مؤثری ایفا کرده (Pion, 2000: 143) و یکی از زیرساخت‌های عمده‌ی اقتصادی جهان اسلام است (کبیری، ۱۳۶۴: ۶۶). از این رو نظام وقف از یک طرف موجب تأسیس بناهای دینی موقوفه با مفهوم سیاسی و کاربری‌های مذهبی می‌شده و از طرف دیگر موجب می‌شده تا موقوفاتی از قبیل وکاله‌ها، قیصریه‌ها، سراها، حمام‌ها، خانه‌ها و دکان‌ها مدام در حال بازسازی، نوسازی و توسعه باشند و از این طریق بودجه تأسیسات دینی را تأمین کنند (باقری، ۱۳۸۶: ۱۶۴، ۱۶۵)؛ در واقع، ویژگی‌های درونی و بیرونی کالبد عناصر اصلی شهرهای اسلامی نمایانگر پیوند میان مراتب مادی و مراتب نظام اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و دینی جامعه با بازتاب‌های محتوای روحی انسان‌ها، تحت تأثیر تعالیم اسلامی و سنت‌های آن، از جمله وقف است. پراکندگی جغرافیایی بناهای وقفی از یک نظام عقلایی و اقتصادی کاملاً تکامل یافته تبعیت می‌کند؛ به طوری که هر موقوفه با چند رقبه، مانند مسجد، مدرسه، کاروانسرا، بازار و حمام که در جوار هم قرار دارند، یک مجموعه‌ی وقفی را تشکیل می‌دهد. مکان‌یابی این مجموعه‌های وقفی، چنان نظم فضایی ارزنده‌ای به فضاهای شهری می‌بخشد که هم‌اکنون برخی از آثار به جای مانده از آن‌ها در شهرسازی جدید استفاده می‌شود.

جدای از بسیاری آثار و تک بناهای شاخص شهری، در تاریخ شهرسازی ایرانی-اسلامی مجموعه پیوسته‌ای در مقیاس‌های مختلف شهری، از مقیاس یک مرکز محله با محله تا مقیاس مرکز شهر مشاهده می‌شود که سنت وقف در شکل‌گیری و یا توسعه‌ی آن‌ها نقش اساسی داشته است (Stevens, 1962: 70)؛ به علاوه، شهر اسلامی بیش از همه تحت تأثیر قوانین اسلامی متخذه از کتاب، سنت، فقه، اجتهاد و اجماع بوده و این دستورات در تصمیم‌گیری درباره‌ی ساخت شهرها تأثیر مستقیمی داشته است.

نظام وقف نه تنها باعث ایجاد بسیاری از فضاهای با ارزش شهری بوده است؛ بلکه پیوند معنوی موقوفات با امور دینی و مذهبی سبب ماندگاری فضاهای شهری

موقوفه در طول زمان شده است. به عبارتی مالکیت بسیاری از عناصر شهری که در زمره‌ی موارث فرهنگی کشور به شمار می‌روند، وقفی‌ست؛ در واقع علل ماندگاری بسیاری از میراث‌های معماری و شهرسازی ایران در بستر زمان را باید در نقش فرهنگ متعالی وقف جستجو کرد. از سوی دیگر طبق اصول نظام وقف بسیاری از فضاها و عناصر از طریق درآمدهایی که بر آن‌ها وقف شده‌اند، خود را محافظت و مرمت کرده و در نهایت معمور باقی مانده‌اند (Blunt, 1966: 101)؛ هم‌چنین به علت ماهیت ابدی، غیرقابل فروش و انتقال بودن موقوفات و صرف منافع آن‌ها در راه مقاصد خیر و جهت حفظ مصالح جامعه‌ی مسلمین، سبب شده است که تعداد زیادی از موقوفات، به خصوص املاک غیرمنقول چون مساجد، حوزه‌های علمیه، مدارس و کتابخانه‌ها، بیمارستان‌ها، مسافرخانه‌ها، آب‌انبارها، قنات‌ها، پل‌ها و بازارها که دارای ساختار پایدارتری هستند، از سایر عناصر شهری پایدارتر باقی بمانند.

نظام وقف در دوره‌ی قاجار

در ایران دوره‌ی قاجار به دلیل نقش مسلط مذهب در زندگی مردم، اجرای هر نوآوری موفقیت‌آمیز می‌باید از حمایت بزرگان مذهبی برخوردار باشد (شاه‌حسینی، ۱۳۷۷: ۱۱۴). در نظام سنتی قاجار، اغلب نهادهای مدنی، حتی اگر دست‌اندرکاران حکومتی بانیان آن بوده‌اند در قالب وقف و متکی به نظام استوار وقف عمل می‌کردند (باقری، ۱۳۸۶: ۱۵۸-۱۵۹). مشروطیت ایران بر اثر یک رشته عوامل درونی و بیرونی در سال ۱۳۲۴ ه.ق. / ۱۹۰۶ م. و در عصر حاکمیت قاجار روی داد که موجب تحولات ژرف اجتماعی و فرهنگی در لایه‌های مختلف جامعه ایران گردید. انقلاب مشروطیت، نهاد مدنی جدیدی را به ارمغان آورد که وضعیت جدید وقف را بی‌نصیب نگذاشت و علاوه بر نوسازی مفهومی، نهادی و مدنی وقف، جایگاه جدیدی برای آن در مناسبات فرهنگی و اجتماعی تعریف کرد.

ثبت و ضبط اسناد وقفی تا انقلاب مشروطه توسط روحانیون صورت می‌گرفت؛ چرا که نظام نام‌گذاری و ثبت و ضبط دقیق و منظم اسناد وجود نداشت؛ بلکه روحانیون خود در منازل یا مساجد به تملیک و عقد بیع می‌پرداختند. پس از پیروزی انقلاب مشروطه و تأسیس اداره‌ی اوقاف در شهرستان‌ها از جمله اصفهان، به آرامی تغییراتی در جهت نظم و سامان بخشیدن به اوقاف اصفهان انجام گرفت (طباطباییان، ۱۳۸۹: ۱۷۴). در دوره‌ی مشروطه با تأسیس وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، نظارت بر اوقاف بیشتر شد و با گسترش ادارات و اهمیت دادن به ثبت موقوفات، حفاظت از موقوفات سهل‌تر و امکان تبدیل آن‌ها به املاک شخصی کمتر شد (لطیفی و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۴). در دوره‌ی قاجار، مانند دوره‌ی صفویه بیشترین نوع مصارف عواید موقوفات، مذهبی بود؛ اما به جای مدارس علمیه به اجرای مراسم مذهبی مانند عزاداری بها داده می‌شد و بیش از ۷۰ درصد وقف‌نامه‌ها برای عزاداری مذهبی به خصوص حضرت سیدالشهداء علیه السلام اختصاص می‌یافت و مردم عادی برای مراسم مذهبی اهمیت بیشتری قائل بودند تا ترویج علوم دینی (ریاحی سامانی، ۱۳۸۷: ۴۰۷). در این دوره نیات وقف آموزشی، بیشتر در قالب

آموزش دینی است؛ زیرا در ایران تا تأسیس مدرسه‌ی دارالفنون و اعزام دانشجویان به اروپا به علوم دینی بیش از علوم عقلی اهمیت می‌دادند (شاه‌حسینی، ۱۳۷۵: ۱۲۴-۱۲۳). در دوره‌ی قاجار ثروتمندان برای رفع نیازهای مردم از طریق وقف اقدام می‌کردند و رقابت بیشتر در محدوده‌ی بازار و اطراف آن متمرکز بوده است. در نظام سنتی قاجار اغلب نهادهای مدنی، حتی اگر دست‌اندرکاران حکومت بانیان آن بوده‌اند، در قالب وقف و متکی به نظام استوار وقف عمل می‌کرده است؛ نظامی که از یک سو به صورت غیردولتی و از سوی دیگر پس از اجرای صیغه‌ی وقف به صورت غیرخصوصی عهده‌دار فعالیت‌هایی بوده است که اکنون در حیطه‌ی کاروزارتخانه‌ها و سازمان‌هایی چون آموزش و پرورش و آموزش عالی (مکاتب و مدارس) - بهداشت و درمان (دارالشفاه، بیمارستان‌ها و درمانگاه‌ها) بهزیستی و تأمین اجتماعی (ایتام و مستمندان)، راه و ترابری (پل‌ها و جاده‌ها)، نیرو (قنوات و آب‌انبارها و یخچال‌ها) اقتصاد (بازارها و دکان‌ها)، جهاد سازندگی و کشاورزی (زمین‌های زراعی و باغات)، وزارت ارشاد، و تبلیغات اسلامی (نشر کتب و تبلیغ دین)، حج و زیارت و حتی سازمان میراث‌فرهنگی (حفظ و احیای آثار و بناهای مذهبی و عام‌المنفعه) است (شاه‌حسینی، ۱۳۷۷: ۱۱۷-۱۳۴). مهم‌ترین مسأله در امر اوقاف در دوره‌ی قاجار، نگرش دولت‌مردان این سلسله به نهاد وقف است. روحانیان دوره‌ی قاجار نفوذ خود را در تشکیلات قضایی و اداره امور اوقاف براساس سنت حفظ نمودند. محترم شناخته نشدن مالکیت افراد به وسیله‌ی حکومت را یکی از دلایل رونق وقف در این دوران باید شمرد.

بخشی از وضعیت نظام وقف در دوره‌ی قاجار از محاکم قضایی متأثر بود؛ زیرا وقف خود نظامی قانون‌مند و دارای احکام حقوقی خاص است. وزارت عدلیه یکی از مراجع حافظ این نظام و حقوق بود. تعدی و تجاوز به موقوفات و ارجاع شکایات وقف‌کنندگان از موقوفه‌خواران به عدلیه و بررسی آن‌ها و صدور حکم، جزئی از وظایف وزارت عدلیه بود؛ بنابراین وضعیت نظام دادرسی و قضایی کشور تأثیر تنگاتنگی بر وضعیت اوقاف کشور داشته است. دادرسی و رسیدگی به دعاوی حقوقی و کیفر دادن جنایت‌کاران و دزدان و به‌طور کلی رسیدگی به جرایم در ایران یا طبق احکام و قوانین شرع اسلام انجام می‌گرفت و یا برطبق عرف و سنت (دیوان‌خانه یا عدالت‌خانه). دوگانگی دستگاه قضایی کشور یادگاری از دوره‌ی صفوی بود و تا سال ۱۳۲۸ هـ. ق. که نخستین قانون مدنی راجع به قوه قضایی کشور به تصویب رسید، دست‌نخورده باقی‌مانده بود (همدانی، ۱۳۳۶: ۳۲۴). بسیاری از موقوفات، مصروف روشنایی عتبات عالیات، تهیه‌ی بوریاء، شمع مساجد و برگزاری مجالس روضه‌خوانی و تعزیه‌داری می‌شد؛ گرچه به دلیل موج نوگرایی و ورود افکار جدید و ایجاد نظام مشروطه در اواخر این دوره، مصارف وقف کمی متفاوت‌تر از گذشته گردید. روحانیون روشن‌فکری چون «سید سعید طباطبایی نایینی» که مدرسه‌ی گلپه‌هار را تأسیس نمود (۱۳۳۱ هـ. ق.) و یا «سید محمد طباطبایی» از رهبران مشروطیت که مؤسس مدرسه‌ی اسلام (۱۳۱۷ هـ. ق.) بود، در این زمینه می‌توان نام برد. به‌طور کلی وضع اداره‌ی موقوفات مذهبی در سراسر حکومت قاجار ثابت ماند؛ زیرا دولت مایل نبود

با برهم زدن بی‌نظمی و آشفتگی در تشکیلات اوقاف برجای مانده از دوران پیشین و احتمالاً دادن منصبی مشابه آنچه در دولت صفوی رخ داد، بر قدرت سیاسی و مادی روحانیان بیفزایند.

جایگاه وقف در توسعه‌ی شهر کرمانشاه

تأثیر سنت وقف در توسعه‌ی شهرهای اسلامی به حدی است که گاهی بیشتر بناهای برخی از شهرها، بناهای عام‌المنفعه و وقفی هستند؛ این موضوع در مورد شهر کرمانشاه صدق می‌کند که پدید آمدن شمار زیادی از بناهای وقفی آن بیانگر این امر است. مدیریت موقوفات علاوه بر املاک بسیار گسترده‌ی شهرها (اهلرز، ۱۳۷۴؛ مؤمنی، ۱۳۶۵) بر بخش‌های چشم‌گیری از اراضی مجاور شهرها تسلط دارند؛ به‌عنوان مثال، نهادهای مذهبی شهر کرمانشاه در دوره‌ی قاجار همراه با روستاها و اراضی حاصلخیز کشاورزی، مغازه‌ها و کاروانسراهای درون شهری وقف شده است. درآمد حاصل از اراضی و باغ‌ها به همراه مغازه‌ها، کمک بزرگی به اجرای مراسم مذهبی، اشتغال و مزایای اجتماعی شهر کرمانشاه در دوره‌ی قاجار نموده است.

ارتباطات درونی مجموعه‌های وقفی، عناصر مجموعه را به یکدیگر پیوند می‌دهد، درحالی‌که ارتباطات بیرونی مجموعه وقفی را به ساختار فضایی و کالبدی شهر پیوند می‌دهند (محمدی، ۱۳۷۹: ۱۰۱). میزان عناصر و فضاها در مجموعه‌های متشکل وقفی شهر کرمانشاه، ناظر بر تعداد و تنوع عناصر و فضاها و عملکردهای تشکیل‌دهنده‌ی موقوفات و یا عناصری است که در فرآیند ارتباطات درگیر هستند. هر قدر تعداد عناصر بیشتر باشد، نه تنها از نظر کمی میزان روابط میان آن‌ها می‌تواند بیشتر باشد؛ بلکه از نظر کیفی شبکه‌ی روابط بین آن‌ها را پیچیده‌تر می‌کند. لازم به ذکر است هرچه این ویژگی‌ها در فرآیندهای ارتباطی موقوفات بیشتر باشد، نقش و تأثیر مجموعه‌ی وقفی در تشکیل فضاها و شهرها بیشتر خواهد بود.

با نگاهی به پیشینه‌ی وقف در کرمانشاه می‌توان پی برد که براساس اسناد باقی مانده از دوره‌ی صفوی، وقف از رونق و اعتبار قابل توجهی در این دوره برخوردار بوده است (کشاورز، ۱۳۷۶: ۶۷)؛ به طوری که در کرمانشاه دوره‌ی صفوی سه تن از واقفان کرمانشاهی که از طبقه‌ی نجبا و درباریان بودند مبادرت به انجام وقف نمودند؛ این سه تن از سران «ایل زنگنه» و پدر و پسرانی با اسامی «شیخ‌علی خان»، «اعتمادالدوله اسحق خان» و «حاج حسینعلی خان» زنگنه بودند (کشاورز، ج ۱، ۱۳۸۴: ۳۸). در دوره‌ی نادرشاه به واسطه‌ی بی‌ثباتی اوضاع و بی‌توجهی زمامداران وقت به امور دینی، امر وقف نسبتاً به فراموشی سپرده شد و کمتر کسی به عمل وقف روی آورد. به عقیده‌ی راوندی، نادر رابطه‌ی خوبی با شیعه نداشت و برای تضعیف آن‌ها قسمت اعظم زمین‌های موقوفه را به ارزش ۱/۵ میلیون تومان ضبط کرد. او با موقوفه‌داران از این جهت که هیچ قدم مفیدی در جامعه بر نمی‌دارند و کاری جز دعاگویی ندارند به سختی مخالف بود (راوندی، ۱۳۵۶، ج ۴: ۴۶۷).

بنابر بررسی‌های انجام شده، شهر کرمانشاه از جهات چهارگانه‌ی خود گستره‌ای بیش از پنج دانگ وقف از شش دانگ گستره را به خود اختصاص داده است؛ چراکه

چهار دانگ آن در زمان‌های گذشته موقوفه بوده و با گذشت زمان، واقفان و خیرین نیز با وقف اراضی خود بر دامنه‌ی املاک موقوفه کرمانشاه افزوده‌اند. چهار دانگ پیشین را احتمالاً می‌توان چغامیرزا، شاطرآباد، چغاکلانف باغ نی، چاله چاله، سراب جعفر قلی خالصه، سراب قنبر، چشمه روضان و چشمه سفید دانست. علاوه بر آن، در سال ۱۲۲۳ هـ.ق. «آیت‌الله ملا عبدالاحد کرکوکي» معروف به «عبدالله» فرزند ارشد «ملا عبدالجلیل زنگنه کرکوکي» ساکن شهر کرمانشاه، در محله‌ی قدیمی فیض آباد یک-سوم ارث پدرش و ارث خود را وقف کرده است؛ با این حال «آقا ابوعلی آل آقا» معروف به «امام جمعه کوچک»، سند بخشی از املاک دولتی دور شهر کرمانشاه را که از سال ۱۳۱۱ تا ۱۳۳۷ هـ.ق. در اجاره‌ی «اسدالله آل آقا» معروف به «امام جمعه بزرگ سلطان‌العلماء» و خود ایشان بوده، وقف کرده است (کشاورز، ۱۳۸۴، ج ۱: ۵۴-۵۳). «محمدعلی میرزای دولت‌شاه» در سال ۱۲۲۱ هـ.ق. با ورود به کرمانشاه در صدد برآمد به اوضاع پریشان آن رونق ببخشد، از این‌رو با انجام مذاکره‌ی لازم با «رجب‌علی خان شیخ‌وند» که رئیس طایفه‌ای از کردان مهاجر از دیاربکر یا جزیره‌ی ابن عمر بود، موفق گردید بخش اعظم اراضی شیخ‌وند‌ها را تملیک کرده و در اراضی مورد بحث مبادرت به احداث و ایجاد رقبات وقفی بناهای دولتی و اماکن مذهبی نماید (کشاورز، ۱۳۷۶: ۱۶).

آثار وقف دولت‌شاه علاوه بر این‌که مستملکات شهری و برون‌شهری، بازارهای سرپوشیده، حمام، دکاکین را به یادگار گذاشته؛ شامل آثار عمومی و موقوفات عام‌المنفعه است که به موجب صورت وقف‌نامه‌ی اولیه و وقف‌نامه‌های تکمیلی متولیان امر چنین وضعیتی دارد: وقف‌نامه‌ی دو مسجد، یک باب محوطه مشتمل بر حجره‌ها، مسجد، مدرسه، آب‌انبار مستقل و محدود به عمارت دیوانی معروف به باغ شاهزاده.

از موقوفات مهم «عمادالدوله» فرزند دولت‌شاه می‌توان به زمین مجاور عمارت‌های دوازده‌گانه‌ی پدرش، بنای مسجد و مدرسه اشاره کرد. این موقوفات تا ۱۶۳ باب مغازه در بازارهای بزازخانه، قیصریه و صندوق‌سازها و نیز کاروانسرا و ۲۸ روستا در محال چم‌چمال نوشته شده است (تصاویر ۱ و ۲). مسجد عمادالدوله واقع در بازار زرگرها با دو در ورودی و خروجی در دو دهلیز مطابق با مندرجات وقف‌نامه‌ی مربوطه و دکان‌های مجاور آن در سال ۱۲۸۵ هـ.ق. احداث شد. در اطراف صحن مسجد، حجره‌هایی جهت تحصیل طلاب علوم دینی ساخته شده که از محل درآمد موقوفات، ۱۵۰ سهم برابر مفاد وقف‌نامه در ۱۰ حجره، هر حجره ۱۵ نفر، شهریه‌ی طلاب تعیین شده است. بازار و کاروانسرای عمادالدوله که از صدها مغازه و حجره تشکیل شده وقف بر مصارف این مسجد است (کشاورز، ج ۱، ۱۳۸۴: ۴۵۳)، (تصویر ۳)؛ علاوه بر دولت‌شاه و عمادالدوله واقفان زیادی اعم از متمولین تا مردم عادی املاک، باغ و ابنیه‌ی بسیاری را وقف نموده‌اند که در جدول ۱ به تفصیل بیان شده است (تصاویر ۴ و ۵).



▲ تصویر ۱. وضعیت کنونی یکی از حجره‌های سرای وکیل‌الدوله در محدوده‌ی بازار وقفی دولت‌شاه (نگارندگان، ۱۳۹۲).

بحث و تحلیل

در دوره‌ی قاجار شهر کرمانشاه به دلیل اهمیت استراتژیکی و نظامی که در زمان



تصویر ۲. وضعیت کنونی حیاط و حجره‌های ضلع شرقی و غربی وکیل‌الدوله واقع در بازار وقفی (نگارندگان، ۱۳۹۲).



▲ تصویر ۳. نمای ورودی شرقی و بخشی از حیاط و حجره‌های مسجد وقفی عمادالدوله در راستای بازار (نگارندگان، ۱۳۹۲).

«محمدعلی میرزای دولت‌شاه» و پسرش «عمادالدوله» پیدا می‌کند، توسعه می‌یابد. با حمایت شاهزادگان قاجاری یاد شده، بازار کرمانشاه که در مسیر جاده‌ی مذهبی-تجاری عتبات عالیات شکل گرفته بود، موجب گذر کاروان‌های تجاری و مذهبی بسیاری که از شرق به غرب و یا بالعکس از کرمانشاه عبور می‌کردند، می‌شد (زارعی و حیدری باباکمال، ۱۳۹۵: ۱۳۳-۱۰۹). وجود این کاروان‌ها موجب ایجاد ساختارهای شهری متعددی در مسیر بازار شده است. از این میان می‌توان به سراها و کاروانسراهای درون شهری، دکان‌های تجاری، مساجد و حسینیه‌های مرتبط با بازار اشاره کرد که باعث رونق شهر در این دوره شده است. این توسعه با مساعدت شاهزادگان قاجاری منجر به ایجاد اماکن وقفی متعددی شد که قبل از آن وجود نداشتند؛ در این میان حمایت و نیاز مردم نیز موجب توسعه بیش از پیش اماکن وقفی در شهر می‌شد.



▲ تصویر ۴. ورودی شبستان مسجد وقفی نواب در سمت جنوب (عکس از نگارندگان، ۱۳۹۲).

در جدول ۱ وضعیت موقوفه‌های شهر کرمانشاه در دوره‌ی قاجار نمایش داده شده است؛ بر مبنای جدول یاد شده، بیشتر مصارف موقوفات در متن وقف‌نامه‌ها از نظر واقف درج شده و تغییرناپذیر است و نزدیک به نیت واقف به مصرف رسانده شده است. مصرف عواید موقوفات به تأمین هزینه‌های سفر حجاج، تهیه‌ی جهیزیه برای دختران دم بخت از خانواده‌های فقیر و تنگ‌دست، تأمین لباس افراد بی‌بضاعت، وقف ابناء السبیل، تعزیه‌ی حضرت سیدالشهداء علیه السلام، روضه‌خوانی، تعمیر مسجد و مدرسه، سهم درس طلاب و اجرت خادم اختصاص یافته است.



▲ تصویر ۵. نمای غربی و داخلی بخش عباسیه، تکیه‌ی وقفی معاون‌الملک (نگارندگان، ۱۳۹۳).

نکته‌ی مهم در رابطه با بناهای وقفی یاد شده در جداول ۱ و ۲ این است، از آنجایی که اماکن تجاری، مولد بیشترین منبع درآمد در شهر هستند، به همین دلیل بیشتر موقوفات شهر کرمانشاه در این دوره از نوع تجاری بوده و به علت موقعیت برتر اقتصادی بازار در اقتصاد شهر، بیشتر موقوفات در محدوده‌ی بازار و محله‌ی برزه‌دماغ مکان‌یابی شده‌اند. با توجه به فضای فکری و فرهنگی حاکم بر جامعه‌ی آن روزگار می‌توان گفت نقاط فرهنگی-آموزشی ناشی از وقف، بازتابی از

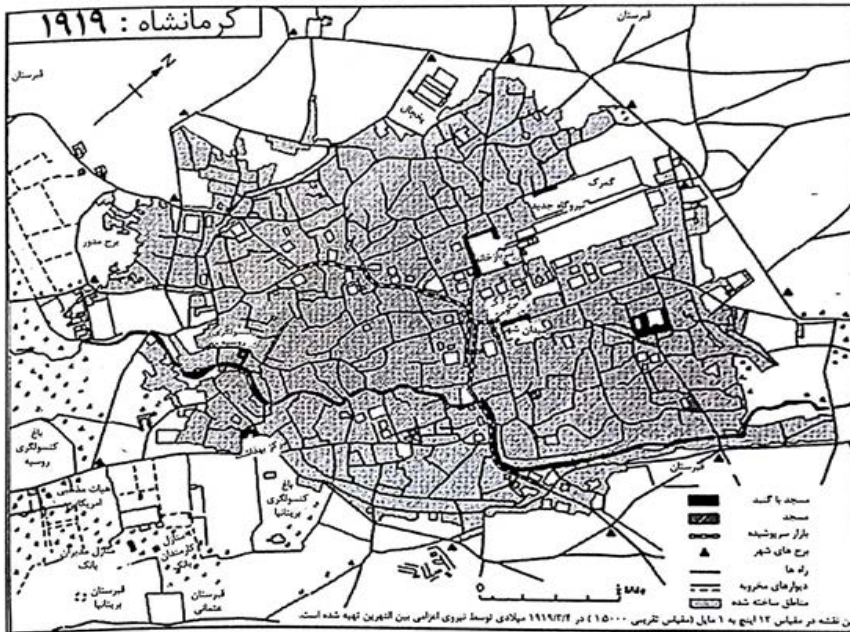
جدول ۱. وضعیت موقوفه‌های شهر کرمانشاه در دوره‌ی قاجار (نگارندگان، ۱۳۹۷).

نام موقوفه	تاریخ وقف	مورد وقف	مورد مصرف	رقبات	محلّه (مکان) وقف	نوع موقوفه	منبع
موقوفه‌ی اکبرخان ماواپی	۱۲۷۷ ه.ق.	زمین، آسیاب و باغ	اطعام مساکین و عزاداری امام حسین	دارد	برزه دماغ	-	کشاورز، ج ۱، ۵۶۱:۱۳۸۴
موقوفه‌ی شرف الحاجیه کشور خانم	۱۳۱۱ ه.ق.	تمام شش دانگ املاک واقع در جنب میدان توپخانه	عزاداری، روضه خوانی، ذکر مصیبت و پذیرایی در ایام محرم و رمضان	دارد	توی شهر (توپخانه)	عام	کشاورز، ج ۱، ۵۶۴:۱۳۸۴
موقوفه‌ی بی‌بی‌جان خانم	۱۲۵۷ ه.ق.	سه دانگ یک باب آسیاب	عزاداری، روضه خوانی، ذکر مصیبت و پذیرایی در ایام محرم و رمضان	آسیاب	-	عام	کشاورز، ج ۲، ۷۶۳:۱۳۸۴
موقوفه‌ی حاج ابراهیم خباز	۱۲۲۵ ه.ق.	سه دانگ از دو باب دکان بقالی روی رودخانه‌ی آبشوران مقابل عمارت شیخ محمد هادی	تعمیرات مسجد و اجرت خادم	سه دانگ از دو باب دکان مندرج در متن سند وقف نامه	محلّه‌ی فیض‌آباد	عام	آرشیو سازمان اداره اوقاف کرمانشاه
موقوفات محمدعلی میرزا دولتشاه موقوفات دولتشاه	۱۲۳۶ ه.ق.	مسجد واقع در محلّه‌ی سرتیه و مبارکه، حجره‌ها، آب انبار، مدرسه تحصیل طلاب علوم دینی، حمام، تیمچه، ۳۳ باب دکان در میدان عمارت مبارکه (واقع در راسته‌ی بازارچه موقوفه‌ی مسجد مرحوم دولتشاه) دو باب دکان برزه دماغ، و مدرسه‌ی نواب عالیّه خانم کوچک خواهر شاهزاده دولتشاه	مصرف عام (سهام درس طلاب، تعمیرات مدرسه‌ها، سهم امام مسجد).	دارد	محلّه برزه دماغ	عام	آرشیو سازمان اداره اوقاف کرمانشاه
موقوفه‌ی فتح‌اله خان فراشاباشی	۱۲۸۳ ه.ق.	شش دانگ تیمچه و متعلقات آن (دالان، حجرات، دکاکین و متعلقات وابسته به آن).	یک سهم تعزیه‌ی امام حسین، یک سهم اطعام فقرا و مساکین و یک دو بخش شود؛ یک سهم حق التولیه و هفت سهم متعلق به موقوف علیها است، پسر دو برابر دختر	دارد	فیض‌آباد	عام و خاص	کشاورز، ج ۲، ۸۴۵:۱۳۸۴
موقوفه‌ی ملامحمد کرمانی	۱۲۳۶ ه.ق.	مجرای آب و آب انبار	شرب آب جهت عموم مسلمین، زارو مترددین	چنای		عام	آرشیو سازمان اداره اوقاف کرمانشاه
موقوفه‌ی کربلایی هاشم	۱۲۷۹ ه.ق.	باغ نزدیک به آبشوران (معروف به باغ حاجی احمد موتاب)	معیشت موقوف علیّه و اطعام مسلمانان در ماه رمضان	رقبات: باغ وقفی	محلّه برزه دماغ	خاص	آرشیو سازمان اداره اوقاف کرمانشاه
موقوفه‌ی حاج میرزاهادی خان کارگذار	۱۲۹۲ ه.ق.	شش دانگ قریه‌ی کبوده (نشاط) با تمامی اعیان موجود در آنجا اعم از قلعه و باغ و چهار دانگ حمام ملاباشی پشت ساختمان بانک ملی سبزه میدان سابق	مبلغ ۴۰ تومان هر ساله جهت شریف مکه به منظور روشنایی بین صفا و مروه	دارد	توی شهر (توپخانه)	عام و خاص	کشاورز، ج ۲، ۱۰۶۵:۱۳۸۴
موقوفه‌ی حسن خان معینی (ملقب به معاون الملک)	۱۳۴۵ ه.ق.	گاراژ، کارخانه، دکان، حسینیه، اموال منقول، حمام حسینیه، طاحونه متصل به حسینیه	روضه خوانی و عزاداری	-	برزه دماغ	عام	کشاورز، ج ۳، ۱۱۶۲:۱۳۸۴
موقوفه‌ی ملا یعقوب	۱۲۷۷ ه.ق.	عمارت، مزارع و دکاکین	اعاشه موقوف علیهم - خیرات و میرات	-	-	خاص و عام	کشاورز، ج ۳، ۱۲۱۱:۱۳۸۴
موقوفه‌ی اکبرخان ماواپی	۱۲۷۷ ه.ق.	مزرعه‌ی دهشهی و کنجور - آسیاب دهشهی و کنجور	در صورت بی‌نیازی موقوف علیهم، صرف اطعام مساکین و عزاداری و روضه سیدالشهدا شود	-	برزه دماغ	خاص و عام	آرشیو سازمان اداره اوقاف کرمانشاه
موقوفه‌ی بدرخان وکیل باشی	۱۳۲۹ ه.ق.	شش دانگ یک باب کاروانسرا واقع در محلّه‌ی برزه دماغ	یک قسمت حق فقرا و سادات بنی فاطمه - فقرا و زوار پیاده	دارد	برزه دماغ	عام	کشاورز، ج ۳، ۱۲۸۶:۱۳۸۴

کشاورز، ج ۳ ۱۳۱۰:۱۳۸۴	عام	علافخانه	املاک و دکان	کمک به مستمندان، زائران و هزینه‌های ناشی از نماز و روزه استیجاری	کاروانسرای واقع در بازار علافخانه، شش دانگ ساختمان فیروزه، چهار باب دکان پشت ساختمان فیروزه، شش دانگ کاروانسرای تجاری راسته‌ی علاف‌خانه، یک باب دکان نجاری واقع در محله‌ی فیض‌آباد راسته‌ی عمادالسلطنه	۱۳۳۴ هـ.ق.	موقوفه‌ی حاج محمدتقی اصفهانی
کشاورز، ج ۳ ۱۳۲۷:۱۳۸۴	عام و خاص	-	دارد	رد مظالم، سهم سادات، سهم امام هزینه‌ی ماه مبارک رمضان	ثلث املاک و ماترک	۱۳۰۱ هـ.ق.	موقوفه‌ی سید حسن رسالت
آرشیو سازمان اداره اوقاف کرمانشاه	عام و خاص	برزه دماغ	-	اطعام در ماه رمضان، نان و حلوا در تاسوعا تا اربعین	ثلث موسی، کهریز، روئین تن، خرک آب، شش دانگ حمام حاج عبدالخالق، کاروانسرای میرزا اسداله با دکان، کاروانسرای سید ابوالحسن همدانی با دکان، کاروانسرای میرزا سلیم خان با دکان متعلق به آن	۱۳۹۲ هـ.ق.	موقوفه‌ی ثلث میرزا هادی خان کارگزار
کشاورز، ج ۳ ۱۴۴۵:۱۳۸۴	صلح محاباتی	برزه دماغ	-	مقرری افراد مندرج در متن صلح‌نامه و وقف‌نامه	منافع سه ساله‌ی کامل یک و نیم دانگ کاروانسرای مشهور به اسم حاج باقر و دکان	۱۳۲۸ هـ.ق.	موقوفه‌ی نوابه عالیه اشرف الحاجیه کشور خانم (مصالحه نامه)
آرشیو سازمان اداره اوقاف کرمانشاه	عام - خاص حبس به مدت سی سال	-	دارد	سهم موقوف علییه، خیرات و میرات و فاتحه خوانی	سه دانگ دکان کهنه‌فروش‌ها، شش دانگ قنادی و شش دانگ دکان زرگری	-	موقوفه‌ی حاجی معدل

شعائر مذهبی بود که با تدریس علوم دینی در مدارس علمیه و به‌وسیله‌ی بسیاری از مجتهدین به منصفی ظهور می‌رسید. بر این اساس، بسیاری از مساجد محله‌ای شهر کرمانشاه از جمله مسجد دولت‌شاه، حاوی وقف‌نامه‌ای است که ادعای فوق را تأیید می‌کند؛ درآمد حاصل از این مسجد-مدرسه وقفی، صرف طلاب و تعمیرات مسجد شده است. تکایای شهر کرمانشاه از دیگر عناصر مهم وقفی در ساختار شهر هستند. معمولاً تکایا علاوه بر جایگاه مذهبی، مکان‌های درآمدزایی نیز در نظر گرفته می‌شدند. در شهر کرمانشاه واقفان با ایجاد یا تعمیر و توسعه‌ی تکایا یا حسینیه‌ها به‌عنوان عناصر هویتی محله‌ها و اختصاص موقوفاتی برای عمران و نگهداری و هزینه‌ی مراسم مذهبی در آن‌ها، در جهت هویت بخشیدن به محله‌ها، ایجاد خاطرات جمعی و احساس تعلق به محله، نقش‌آفرینی می‌کردند. نمونه‌ی این امر مهم در شهر کرمانشاه تکیه و حسینیه‌ی معاون‌الملک است که نزدیک به میدان و بازار بزرگ شهر ساخته شده است (تصویر ۵). در وقف‌نامه‌ی «تکیه‌ی معاون‌الملک» آمده که عواید حاصله پس از وضع مخارج به صرف روضه‌خوانی و تعزیه‌داری حضرت سیدالشهداء علیه السلام برسانند و مبلغی نیز به صرف روشنایی و قرائت قرآن در مقبره‌ی آن حضرت بنمایند؛ هم‌چنین برای تعمیرات و نگهداری کاروانسرا که قرار بود به‌عنوان زائرسرا در اختیار زائرین عتبات مقدسه قرار بگیرد، مبلغی هزینه نمایند. معین‌الرعا یا بانی تکیه، در سال ۱۳۴۷ هـ.ق. تکیه را وقف عزاداری و مراسم تعزیه نمود و ۲۰ نسخه از وقف‌نامه‌ی آن را بین علمای نجف، کرمانشاه و بزرگان دین و افراد خاندان معینی تقسیم کرد (شهبازی و شهبازی، ۱۳۸۶: ۴۸).

با افزایش نقش تجاری بازار شهر کرمانشاه در دوره‌ی قاجار بر اهمیت آن و به‌ویژه دکان‌های آن افزوده شد؛ دکان، مهم‌ترین مکان درآمدزا برای سرمایه‌گذاری محسوب می‌شد؛ به طوری که وقف دکان بیشتر از سایر اماکن درآمدزای وقفی است. طبق جدول ۲، اماکن تجاری بزرگ چون کاروانسراها، دالان‌ها و مانند آن، معمولاً به تدریج به صورت دکان توسط یک نفر یا افراد متعددی وقف می‌شدند؛ مثلاً



نقشه ۲. شهر کرمانشاه در سال ۱۹۱۹م. نقشه‌ی بازترسیم شده از روی عکس هوایی نیروهای اعزامی به بین‌النهرین (کاروانسراهای در مسیر بازار با مربع سفید مشخص شده‌اند)، (Clark & Clark, 1969: 40).

براساس نقشه‌ی ترسیمی روس‌ها در سال ۱۸۵۱م. (نقشه ۱) و نقشه‌ی سال ۱۹۱۹م. (نقشه ۲) حجم عظیمی از بافت کرمانشاه را بازار و کاروانسراهای وقفی واقع در مسیر بازار دربر گرفته‌اند. عامل اقتصاد و عنصر بازار وقفی با نقش ارتباطی و تجاری راه کاروان رو عتبات عالیات، گمرک، عبور زوار و تجار از آن، مهم‌ترین عامل در توسعه‌ی شهر کرمانشاه در دوره‌ی قاجار بوده است. در این میان، نقش شاهزادگان قاجاری، دولت‌شاه و عمادالدوله و اتخاذ تدابیر سازنده، خود با توجه به موقعیت استراتژیک شهر قابل توجه است که با توسعه‌ی سنت وقف، نقش مؤثری در ایجاد بناهای متعدد در ساختار شهر کرمانشاه داشته‌اند.

این عوامل منجر به ایجاد ۵ محله در شهر کرمانشاه با ویژگی مشخص به خود شدند که در آن‌ها بناهای عام‌المنفعه اعم از حمام، کاروانسرا و مسجد اجزای فضای ساختاری و کالبدی شهر کرمانشاه در دوره‌ی قاجار را شکل می‌دادند.

از دیگر ساختارهای وقفی عام‌المنفعه و زیربنایی شهر کرمانشاه در دوره‌ی قاجار، آب‌انبار و قنات به منظور تأمین آب شرب شهروندان است. با توجه به این‌که بیشتر اهالی شهر کرمانشاه از طریق چاه آب منابع مصرفی آب خود را تأمین می‌کردند و کاربرد قنات و آب‌انبار محدود بود، صرفاً یک قنات و دو آب‌انبار وقفی در دوره‌ی قاجار در محله‌ها ایجاد شدند (جدول ۲). هم‌چنین در میان اماکن مذهبی وقفی، مساجد بیشترین فراوانی را دارند؛ این مساجد که عموماً مساجد محله‌ای هستند، بیانگر اهمیت آن‌ها در توسعه‌ی محله‌ها و ایجاد حس هویت و یکپارچگی درونی محله‌های شهر کرمانشاه در دوره‌ی قاجار هستند (تصاویر ۳، ۴ و ۸).

واقفان براساس نیات مذهبی، ضمن حفظ و نشر دین اسلام، به محرومین جامعه نیز کمک می‌کردند؛ زیرا افراد بی‌بضاعت به عنوان خادم و بدون پرداخت اجاره‌بها در بقاع متبرکه، مساجد و حسینیه‌ها ساکن بودند و برخی از آن‌ها بنا به نیت وقف حقوق هم می‌گرفتند. این امر به معیشت افراد و نیز نگاه‌داری این اماکن

کمک می‌کرد؛ هم‌چنین به موجب نیات واقفان، افراد بی بضاعت که توان پرداخت هزینه سفر به اماکن متبرکه را ندارند با استفاده از عواید موقوفات به زیارت عتبات شرف‌یاب می‌شدند. این سفرها علاوه بر ترویج دین، سبب تجدید روحیه و شادابی مردم نیازمند و توسعه و ساخت اماکن مشابهی نیز می‌شد؛ بنابراین نیات مذهبی علاوه بر جلب نظر مردم به سوی مذهب تا حدودی نیازهای معیشتی، سکونتگاهی و روحی مردم مستمند را نیز رفع می‌کرد.

براساس اطلاعات به دست آمده از اسناد موقوفه‌ی شهر کرمانشاه در دوره‌ی قاجار که از ۵ محله تشکیل شده است؛ محله‌ی چنانی با ۲ بنای وقفی، فیض‌آباد با ۴، علاف‌خانه با ۴ و محله‌ی توپخانه (توی شهر) با ۵ و برزه‌دماغ (آبشوران) با ۱۴ بنا یا ملک وقفی به ترتیب بیشترین بناهای وقفی را به خود اختصاص داده‌اند. در این بین محله‌ی برزه‌دماغ با ۴۸ درصد بیشترین و چنانی با ۷ درصد کمترین آثار را در برگرفته‌اند (نمودار ۱). بیشتر موقوفات «محمدعلی میرزای دولت‌شاه» در محله‌ی برزه‌دماغ بوده و همین عامل باعث رونق و توسعه بیشتر این محله نسبت به محلات دیگر شده است. با نگاهی به تصویر ۶ و نقشه‌های ۱ و ۲ که بازار را ترسیم می‌کنند، مشخص می‌شود که بناهای موقوفه در شهر کرمانشاه نقش مهمی در توسعه و رونق



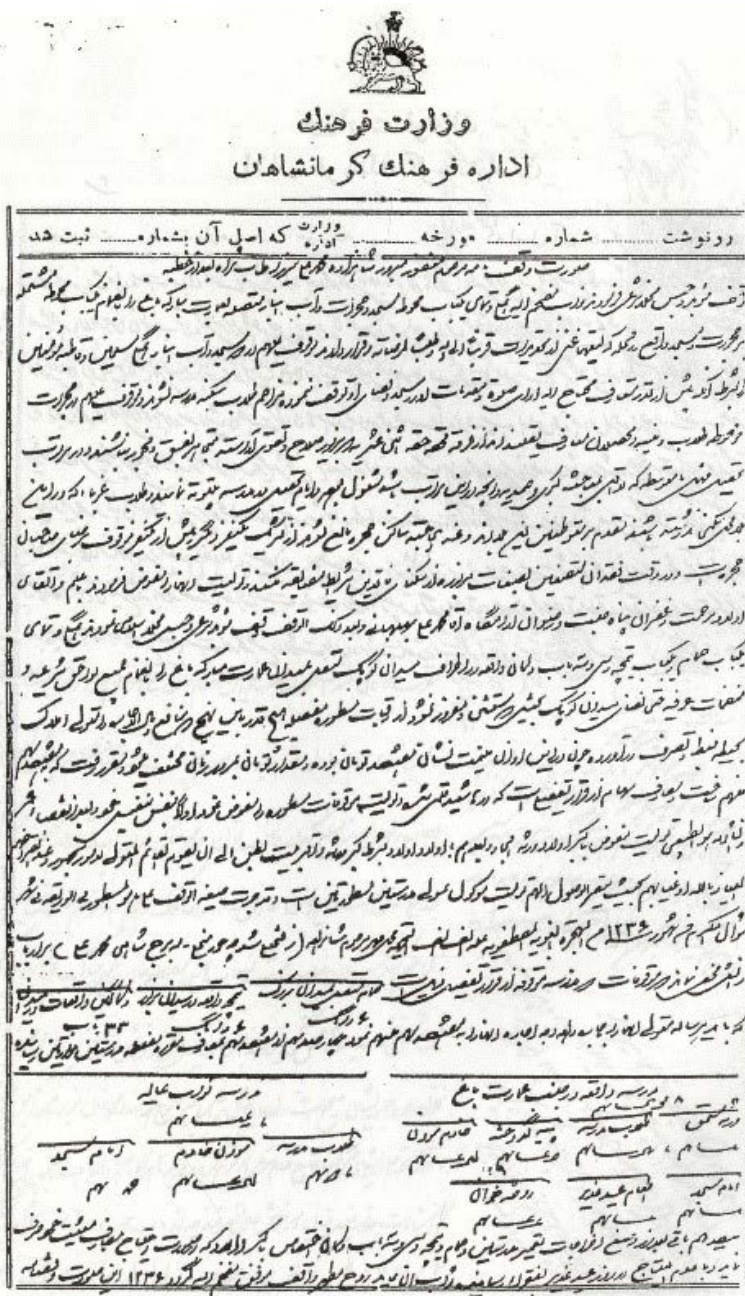
▲ تصویر ۶. موقعیت محله‌های شهر کرمانشاه و نمایش موقوفات مهم بر روی آن براساس اسناد وقفی به دست آمده از این دوره (برگرفته از Google Earth به همراه تغییرات نگارندگان، ۱۳۹۷).

شهر در دوره‌ی قاجار کرمانشاه داشته‌اند؛ به طوری که اگر این بناها در بافت تاریخی وقف نمی‌شدند و موجود نبودند توسعه و رونق شهر کرمانشاه در این دوره امکان‌پذیر نبود. در هر محله از محله‌های کرمانشاه، عناصر و فضاهای موقوفه از نظر فضایی، کالبدی و عملکردی به صورت مجموعه‌ای به هم پیوسته در بافت تاریخی استقرار

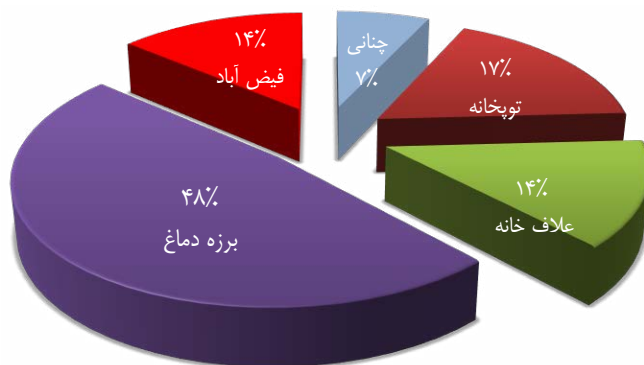
دارند و به صورت مجموعه‌ای متمرکز، محله‌ها را تشکیل و به هم ارتباط می‌دهند که عموماً شامل مساجد، دکان‌های تجاری، کاروانسراها، حسینیه‌ها و تکایا هستند. نکته‌ی مهم قابل ذکر دیگر آن که به علت ماهیت غیرقابل تغییر بناهای وقفی، بیشتر بناهای مورد مطالعه‌ی پژوهش در دوره‌ی پهلوی به حیات خود ادامه دادند.

جدول ۲. نوع مکان‌های وقفی محله‌های کرمانشاه در دوره‌ی قاجار (نگارندگان، ۱۳۹۷). ▼

اماکن مذهبی					اماکن تجاری						
مقبره	مسجد	تکیه	حسینیه	زمین	باغ	سرای	تیجچه	دکان	بازار	کاروانسرا	آسیاب
۱	۷	۱	۱	۶	۳	۳	۲	۵۱	۱	۷	۳



تصویر ۷. وقف‌نامه‌ی کاروانسرا و مسجد در راسته‌بازار از محمدعلی میرزا دولت‌شاه (آرشیو اداری اوقاف و امور خیریه استان کرمانشاه، ۱۳۹۵). ◀



نمودار ۱. درصد فراوانی موقوفه‌های شهر کرمانشاه در دوره‌ی قاجار به تفکیک هر محله (نگارندگان، ۱۳۹۷).

هر چند که به تدریج از توجه به تعمیرات آن‌ها، مخصوصاً در راسته بازار کاسته شد و بیشتر سراهای و دکان‌های واقع در مسیر بازار به انباری تبدیل شدند. علت آن را می‌توان از رونق افتادن شهر کرمانشاه پس از دوره‌ی قاجار به سبب از دست رفتن نقش مهم و تجاری بازار و عدم حمایت حکومت در تعمیر و ایجاد بناهای وقفی دانست که به تبع آن، گذر کاروان‌های تجاری و استفاده بیشتر از بناهای وقفی با کارکرد بازرگانی، کمتر شد.

نتیجه‌گیری

موقوفات شهر کرمانشاه نقش قابل توجهی در رونق و توسعه شهر در دوره‌ی قاجار ایفا کرده‌اند. در این دوره، واقفان املاک و ابنیه‌ی زیادی را وقف نموده‌اند که اگر این بناها را از بافت شهری کرمانشاه حذف کنیم، عملاً بنای قابل‌ذکری باقی نخواهد ماند. تنها حضور مادی آن‌ها به شکل مسجد، زیارتگاه بازار یا کاروانسرا نیست که اهمیت دارد؛ بلکه اهمیت آن‌ها برای شهر تا همین حدود و حتی بیشتر به خاطر حضور آن‌ها به عنوان نهادهای مهم اجتماعی و اقتصادی است. تنها نقطه‌ی مثبت اوضاع وقف در دوره‌ی قاجار پس از بهبود در وضعیت کمی وقف، برداشته شدن مالیات از موقوفات بوده که این شرایط در شهر کرمانشاه کاملاً تجلی یافته است؛ بنابراین و طبق اطلاعات به دست آمده از اسناد موقوفه‌ی شهر کرمانشاه در دوره‌ی قاجار، وقف به سه منظور عمده انجام می‌شد؛ حفظ و نشر دین، رفع نیازهای مردم مستمند و ایجاد و تقویت حس هویت میان ساکنان محله که در نهایت منجر به رونق محله‌ها می‌شد. در هر سه حالت یاد شده انسان معتقد به این عمل به ارزش‌های دینی خود ارج می‌نهاد و دین خود را زنده نگه می‌داشت؛ علاوه بر آن در اجرای مراسم مذهبی به ویژه در ماه‌های رمضان و محرم کلیه‌ی مراسم به طریقی به دریافت از موقوفات مرتبط می‌شد. نتایج دیگر پژوهش نشان می‌دهد که بیشتر موقوفات شهر کرمانشاه به دست محمدعلی میرزای دولت‌شاه و فرزندش عمادالدوله انجام گرفته است. این دو شاهزاده در راستای اهداف عمرانی خود املاک و ابنیه‌ی فراوانی را وقف نموده و موجبات رونق و توسعه‌ی شهر را بیش از پیش فراهم آورده‌اند؛ هر چند که وجود مؤثر مالکان و متمولان در کنار شاهزادگان قاجاری غیرقابل انکار است. موقوفات در شهر کرمانشاه علاوه بر ایجاد زیرساخت‌های شهری چون مسجد،

کاروانسرا، حمام و مدرسه، به‌عنوان ایجادکننده‌ی مشاغل نیمه‌وقت و تمام‌وقت که عموماً در بازار انجام می‌گرفت، اهمیت داشتند. عامل مهمی که در ماندگاری بناهای وقفی در شهر کرمانشاه مؤثر بوده، وقفی بودن آن‌هاست؛ زیرا درآمد رقبات ابتدا برای پایداری موقوفات و سپس برای مقاصد عام‌المنفعه هزینه می‌شده است. از سوی دیگر این موضوع مشخص شد که بناهای وقفی جزو ارکان اصلی هر محله بوده و در نهایت با توجه به احتیاجات مردم بر تعداد آن‌ها افزوده شده و منجر به رونق و توسعه شهر در دوره‌ی قاجار شده‌اند.

کتابنامه

- امامی، سید حسن، ۱۳۷۳، حقوق مدنی. تهران: کتابفروشی اسلامی، چاپ سیزدهم.
- اهلرز، اکارت، ۱۳۷۴، «موقوفات دینی و شهر شرق اسلامی». ترجمه‌ی مصطفی مؤمنی و محمدحسین ضیاءتوانا، فصلنامه‌ی وقف میراث جاویدان، انتشارات سازمان اوقاف و امور خیریه، شماره‌ی ۱۰، صص: ۵۸-۳۲.
- باقری، اشرف‌السادات، ۱۳۸۶، شهرهای قلمرو فرهنگ اسلامی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- بلالی‌اسکویی، آریتا؛ کی‌نژاد، محمدعلی؛ و نقره‌کار، عبدالمجید، ۱۳۸۹، «طرح فرضی ربع و شهرستان رشیدی». صفه، شماره ۵۰، صص: ۷۶.۵۱-۱۳۸۹، «طرح فرضی ربع و شهرستان رشیدی». صفه، شماره‌ی ۵۰، صص: ۷۶-۵۱.
- بلر، شیلا، ۱۳۸۷، «معماری و جامعه در دوره ایلخانیان». تحلیل وقف‌نامه ربع رشیدی، گلستان هنر، دوره‌ی ۴، شماره ۱۳، صص: ۷۳-۴۸.
- راوندی، مرتضی، ۱۳۵۶، تاریخ اجتماعی ایران، ج ۴. تهران: امیرکبیر.
- ریاحی‌سامانی، نادر، ۱۳۸۷، «تحول نهاد وقف»، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی وقف و تمدن اسلامی، ج ۳. تهران: انتشارات اسوه، صص: ۳۶۹-۴۱۲.
- زارعی، محمدابراهیم؛ و حیدری‌باباکمال، یداله، ۱۳۹۵، «اهمیت ارتباطی-تجاری راه عتبات عالیات در رونق شهر کرمانشاه در دوره‌ی قاجار با تکیه بر شواهد تاریخی و باستان‌شناسی موجود». نشریه تاریخ اسلام و ایران، دوره‌ی ۲۶، شماره‌ی ۳۲، شماره‌ی پیاپی ۱۲۲، صص: ۱۳۳-۱۰۹.
- شاه‌حسینی، پروانه، ۱۳۷۵، «وقف‌شناسی جغرافیایی شهر تهران؛ دوره‌های قاجار و پهلوی». فصلنامه‌ی تحقیقات جغرافیایی، سال ۱۱، شماره‌ی ۳، پیاپی ۴۲، صص: ۱۳۳-۱۱۷.
- شاه‌حسینی، پروانه، ۱۳۷۷، «ردیابی وقف در ساختار فرهنگی شهر تهران از دوره‌ی قاجاریه تا جمهوری اسلامی». فصلنامه‌ی تحقیقات جغرافیایی، شماره‌ی ۴۸، صص: ۱۲۰-۱۱۰.
- شهبابی، محمدرضا، ۱۳۸۳، «میانی و چهارچوب تأثیر وقف در شکل‌گیری فضاهای شهری». فصلنامه‌ی تحقیقات جغرافیایی، شماره‌ی ۷۲، صص: ۱۵۰-۱۳۵.
- شهبازی، سیاوش؛ و شهبازی، سروش، ۱۳۸۶، «تکیه معاون‌الملک، جلوه‌گاه

- هنرمذهبی و حماسی و چهره‌های تاریخی ایران». مجله‌ی کتاب ماه هنر، شماره‌ی ۱۰۳ و ۱۰۴، صص: ۴۶-۵۱.
- صادقی‌گلدار، احمد، ۱۳۸۵، مقدمه‌ای بر فرهنگ وقف. تهران: انتشارات صائن.
- طباطبائی‌ان، عطیه‌سادات، ۱۳۸۹، «وضعیت اوقاف در دوره‌ی قاجار؛ با تکیه بر قوانین مجلس و شکایت واقفان اصفهانی». فصلنامه‌ی علمی-تخصصی سخن تاریخ، سال چهارم، شماره‌ی ۱۱، صص: ۱۵۴-۲۲۸.
- کیسی، محمدعبید، ۱۳۶۴، احکام الوقف. ترجمه‌ی احمد صادقی‌گلدار، تهران: انتشارات اداره‌ی کل حج و اوقاف امور خیریه.
- کشاورز، اردشیر، ۱۳۷۶، کرمانشاه ما به دورنمای قدیم شهر. نشریه شهروند.
- کشاورز، اردشیر، ۱۳۸۴، زندگان عرصه عشق: مجموعه اسناد وقفی اداره کل اوقاف و امور خیریه استان کرمانشاهان، شرح حال واقفان به انضمام تشریح تاریخ سیاسی، اجتماعی و اقتصادی وقف استان، ۳ جلد. کرمانشاه: طاق‌بستان.
- لطیفی، میثم؛ صادقی، سید محمد مهدی؛ و حسینی، سید ابوالحسن، ۱۳۸۷، پرتوی از سیمای وقف در ایران اسلامی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول.
- محمدی، محمود، ۱۳۷۹، «تحلیل نقش متقابل وقف و شهرسازی؛ برنامه‌ریزی فضایی - کالبدی راهبردی جدید در توسعه و بهره‌وری بهینه موقوفات». وقف میراث جاویدان، سال هشتم، شماره‌ی ۳۰، صص: ۹۴-۱۰۵.
- مؤمنی، مصطفی، ۱۳۶۵، «ردیابی فرهنگ وحی در ساختارشناسی فرهنگی، اقتصادی و کالبدی دوره آغازین شهر دولت‌آباد ملایر». فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال اول، شماره‌ی ۲، صص: ۵۹-۱۱.
- همدانی، رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۳۶، وقف‌نامه ربع رشیدی. به‌کوشش: مجتبی مینوی و ایرج افشار، تهران: انجمن آثار ملی.

- Blunt, W., 1966, *Isfahan: Pearl Of Persia*. Published by Elek.

- Clark, J. & Clark, B., 1969, *Kermanshah: A Provicinal City in Iran*, University of Durham DEDT, of Geography Research paper series 10. Durham.

-Pion, 2000, *Environment and Planning*. Published by Pion Ltd, London, England.

-Stevens, R., 1962, *The Land of the Great Sophy*. Published by Methuen, London, England.